

به نام خداوند مهربان



دانشگاه الزهراء (س)
دانشکده ادبیات، زبانها و تاریخ

پایان نامه
جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در
رشته زبان شناسی همگانی

عنوان
بررسی استعاره در زبان درد از دیدگاه زبان شناسی شناختی

استاد راهنما
دکتر شهین نعمت زاده

استاد مشاور
دکتر فرهاد ساسانی

دانشجو
آزاده منصوبی

شهریور ۱۳۸۹

تقدیم به مادرم، پدرم و همسرم

و به زبان‌شناسان اندیشمند

ورودی مهر ۸۶ دانشگاه الزهرا

با تشکر و قدردانی فراوان از

خانم دکتر نعمت‌زاده و آقای دکتر ساسانی

به پاس راهنمایی‌های بی‌دریغشان

کلیه دستاوردهای ناشی از تحقیق حاضر متعلق به دانشگاه الزهراء (س) می باشد.

چکیده

پایان‌نامه حاضر به بررسی استعاره‌های درد در زبان فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی می‌پردازد. در زبان‌شناسی شناختی استعاره نقش مهمی در نظام شناختی بشر دارد و دیگر منحصر به حوزه ادبیات نیست. به طوری که بسیاری از بنیادی‌ترین مفاهیم در نظام مفهومی ما معمولاً از طریق مفاهیم استعاری درک می‌شود. کوکسس (۲۰۰۲) معتقد است استعاره نه تنها در زبان برای بیان احساسات نفوذ کرده، بلکه نقشی مهم در درک جنبه‌های بیش‌تری از مفهوم‌سازی احساس و تجربه احساسی دارد. درد نیز یکی از مفاهیم انتزاعی و احساسی است که برای بیان آن چاره‌ای جز استفاده از مفاهیم ملموس‌تر و عینی‌تر نیست. داده‌های این پژوهش مشتمل بر ۸۷ جمله است که از خلال گفتار سخن‌گویان فارسی‌زبان هنگام بیان درد و از نمونه‌های در دسترس انتخاب شده است. نتایج و یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، فارسی‌زبانان در بیان درد خود از حوزه‌های مبدأ مختلفی استفاده می‌کنند که منجر به ساخت استعاره‌هایی چون «درد ویرانی/ دگرگونی ایزاری است»، «درد صدای یک جانور است» و ... می‌شود.

واژه‌های کلیدی: زبان‌شناسی شناختی، استعاره، استعاره احساسی، درد

فهرست مطالب

۱	فصل اول
۲	۱-۱- مقدمه
۲	۲-۱- مسأله پژوهش
۳	۳-۱- هدف‌های پژوهش و ضرورت آن
۳	۴-۱- پرسش‌های پژوهش
۴	۵-۱- فرضیه‌های پژوهش
۴	۶-۱- روش گردآوری اطلاعات
۴	۷-۱- سازمان‌بندی پژوهش
۵	۸-۱- محدودیت‌های پژوهش
۶	فصل دوم
۷	۱-۲- مقدمه
۷	۲-۲- مطالعات زبان‌شناسان و اندیشمندان ایرانی
۷	مشعشعی: ۱۳۸۰
۸	گلفام و یوسفی‌راد: ۱۳۸۱
۸	یوسفی‌راد: ۱۳۸۲
۹	امینی: ۱۳۸۳
۱۰	صدری: ۱۳۸۵
۱۱	گلفام و ممسنی: ۱۳۸۷
۱۱	پورابراهیم: ۱۳۸۸
۱۲	۳-۲- مطالعات زبان‌شناسان و اندیشمندان غیرایرانی
۱۲	۱-۳-۲- استعاره
۱۸	۲-۳-۲- استعاره‌های احساسی
۲۲	۳-۳-۲- زبان درد
۲۸	۴-۲- خلاصه فصل

۲۹	فصل سوم.....
۳۰	۳-۱- مقدمه
۳۰	۳-۲- استعاره از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی.....
۳۱	۳-۳- استعاره مفهومی.....
۳۳	۳-۳-۱- انواع استعاره مفهومی براساس عمل‌کرد شناختی آن.....
۳۷	۳-۳-۲- ماهیت استعاره.....
۳۹	۳-۴- مختصات استعاره.....
۴۲	۳-۵- حوزه مبدأ و حوزه مقصد.....
۴۳	۳-۵-۱- حوزه‌های متعارف مبدأ.....
۴۸	۳-۵-۲- حوزه‌های متعارف مقصد.....
۵۲	۳-۶- ویژگی‌های نگاشت‌های استعاری.....
۵۲	۳-۶-۱- برجسته‌سازی و نهان‌سازی.....
۵۳	۳-۶-۲- بهروری استعاری.....
۵۴	۳-۷- استعاره پایه و مرکب.....
۵۴	۳-۷-۱- استعاره پایه.....
۵۶	۳-۷-۲- استعاره مرکب.....
۵۹	۳-۸- استعاره‌های احساسی.....
۶۰	۳-۸-۱- استعاره‌های خشم.....
۶۰	۳-۸-۲- استعاره‌های ترس.....
۶۱	۳-۸-۳- استعاره‌های شادی.....
۶۲	۳-۸-۴- استعاره‌های غم.....
۶۲	۳-۸-۵- استعاره‌های عشق.....
۶۳	۳-۸-۶- استعاره‌های غرور.....
۶۳	۳-۸-۷- استعاره‌های خجالت.....
۶۴	۳-۸-۸- استعاره‌های شگفت‌زدگی.....
۶۴	۳-۸-۹- استعاره‌های درد.....
۶۷	۳-۹- خلاصه فصل.....

۶۸ فصل چهارم
۶۹ ۱-۴- مقدمه
۷۰ ۲-۴- حوزه‌های مبدأ
۸۲ ۳-۴- بررسی فراوانی حوزه‌های مبدأ در زبان فارسی
۸۷ ۴-۴- بررسی زیرمجموعه‌های حوزه‌های مبدأ معرفی شده
۹۳ ۵-۴- خلاصه فصل
۹۴ فصل پنجم
۹۵ ۱-۵- مقدمه
۹۵ ۲-۵- دستاوردهای اصلی
۹۸ ۳-۵- دستاوردهای دیگر
۱۰۰ ۴-۵- پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی
۱۰۱ کتاب‌نامه فارسی
۱۰۲ کتاب‌نامه انگلیسی
۱۰۵ واژه‌نامه
۱۰۶ واژه‌نامه انگلیسی به فارسی
۱۰۸ واژه‌نامه فارسی به انگلیسی

فصل اول

مقدمه

۱-۱- مقدمه

پایان‌نامه حاضر با عنوان بررسی استعاره در زبان درد / از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی به مطالعه بر استعاره‌سازی‌هایی که هنگام بیان درد در زبان فارسی رخ می‌دهد، می‌پردازد. زبان‌شناسی شناختی با قدمتی نه چندان زیاد موارد تحقیقی فراوانی را پیش روی محققان خود قرار می‌دهد. از جمله بخش‌های مورد توجه در زبان‌شناسی شناختی استعاره است و از مواردی که حضور استعاره در آن بسیار پررنگ است، مفاهیم احساسی است. درد نیز یکی از مفاهیم استعاری است که نگارنده در نظر دارد با بررسی استعاره‌های آن، زمینه‌ای برای شناخت هر چه بیش‌تر ذهن پیچیده آدمی فراهم کند و بتواند تا حدی آغازگر پژوهش‌های بعدی در این زمینه باشد.

۱-۲- مسأله پژوهش

استعاره از مفاهیم بسیار پراهمیت در زبان‌شناسی شناختی محسوب می‌شود. در رویکرد شناختی بر خلاف رویکرد سنتی به استعاره، جایگاه استعاره در تخیل ادبی نیست، بلکه در نظام مفهومی آدمی است (لیکاف^۱: ۱۹۸۰: ۳۷). به این ترتیب استعاره عنصری بنیادی و اساسی در مقوله‌بندی و درک انسان از جهان خارج است. آن‌چه که باعث اهمیت استعاره در زبان‌شناسی شناختی می‌شود این نکته است که با این نگاه، استعاره به زبان روزمره وارد می‌شود و کم‌تر کسی است که از شکل‌های مختلف استعاره در مکالمه روزمره خود استفاده نکند. در نتیجه ما می‌توانیم مفاهیم انتزاعی همچون خشم، عشق، نفرت و ... را در قالب تصورات فیزیکی و ملموس و به شیوه‌ای استعاری بیان کنیم. در چهارچوب نظریه شناختی استعاره (لیکاف و جانسون^۲: ۱۹۸۰؛ لیکاف ۱۹۸۷) استعاره‌های احساسی^۳ یکی از حوزه‌های مهم تحقیقاتی به شمار می‌روند. از جمله مفاهیم احساسی و انتزاعی که برای بیان آن چاره‌ای جز استفاده از استعاره نداریم می‌توان به "درد" اشاره

¹ George Lakoff

² Mark Johnson

³ emotional metaphors

کرد. زبان درد بسیار پیچیده است. علی‌رغم این که درد یک تجربه جهانی است، اما نحوه بیان آن از فرهنگی به فرهنگ دیگر، از کشوری به کشور دیگر و یا حتی از فردی به فرد دیگر متفاوت است. بی‌تردید کارهای زیادی در زمینه درد از بعد پزشکی و روان‌شناختی صورت گرفته اما از بعد زبانی کار زیادی انجام نشده است.

این پژوهش در نظر دارد به زبان درد پرداخته، جمله‌های بیان‌کننده درد در زبان فارسی را مورد بررسی قرار دهد و از این رهگذر به حوزه‌های مبدأ مورد استفاده پی برده، در نهایت بسامد وقوع این عناصر را مورد تحلیل قرار دهد. بی‌شک مطالعه بر روی جمله‌های بیمارانی که از درد شکایت دارند ما را به استعاره‌سازی‌های آن‌ها از درد رهنمون می‌سازد.

۱-۳- هدف‌های پژوهش و ضرورت آن

این پژوهش در نظر دارد به بررسی نحوه بیان درد در زبان فارسی پرداخته، استعاره‌سازی‌های مربوط را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. نگارنده درصدد است از این رهگذر به پرسش‌های مطرح‌شده در بند ۱-۴ پاسخ دهد و فرضیه‌های مطرح‌شده در بند ۱-۵ را رد یا تأیید کند.

۱-۴- پرسش‌های پژوهش

این پژوهش درصدد است به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- ۱- در زبان فارسی، حوزه‌های مبدأ به‌کاررفته در استعاره‌های بیان درد کدام است؟
- ۲- در زبان فارسی، سلسله‌مراتب دسترسی حوزه‌های مبدأ در استعاره‌های بیان درد به چه صورت است؟
- ۳- با توجه به حوزه‌های مبدأ به‌دست‌آمده، چه استعاره‌های دردی در زبان فارسی وجود دارد؟

۱-۵- فرضیه‌های پژوهش

این پژوهش درصدد است فرضیه‌های زیر را مورد بررسی قرار دهد:

۱- در زبان فارسی، شماری از حوزه‌های مبدأ به‌کاررفته در استعاره‌های بیان درد عبارت‌اند از:

ابزار، عناصر چهارگانه طبیعت، صدا، جانوران و مواد خوراکی.

۲- بدون شک بررسی دقیق سلسله‌مراتب دسترسی حوزه‌های مبدأ در استعاره‌های بیان درد

پس از انجام پژوهش به دست خواهد آمد ولی به نظر می‌رسد، ابزار از حوزه‌های مبدأ بسیار

پرکاربرد و مواد خوراکی از جمله حوزه‌های کم‌کاربرد در زبان فارسی باشد.

۳- از جمله استعاره‌های دردی که در زبان فارسی وجود دارد می‌توان به استعاره‌های «درد ابزار

است»، «درد صدا است» و «درد جانور است» اشاره کرد.

۱-۶- روش گردآوری داده‌ها

روش گردآوری داده‌ها به صورت مشاهده‌ای و ثبت اطلاعات بوده است. داده‌های مورد بررسی از

خلال گفتار سخن‌گویان فارسی‌زبان هنگام بیان درد و از نمونه‌های در دسترس انتخاب شده است.

این داده‌ها از مکان‌هایی همچون بیمارستان‌ها و مطب‌ها، مکالمه بین افراد به‌ویژه مکالمه بین

پزشک و بیمار، و حتی از میان جمله‌های به‌کاررفته در فیلم‌ها و سریال‌ها جمع‌آوری شده است.

لازم به ذکر است که روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به شیوه توصیفی است.

۱-۷- سازمان‌بندی پژوهش

پژوهش حاضر شامل پنج فصل است. در فصل اول، مسأله پژوهش، هدف‌ها، پرسش‌ها و فرضیه‌های

پژوهش مطرح شده است. فصل دوم به پیشینه پژوهش^۴ که به پژوهش‌های اندیشمندان ایرانی و

غیرایرانی می‌پردازد، اختصاص دارد. فصل سوم مربوط به مبانی نظری پژوهش حاضر است که صرفاً

استعاره از دیدگاه شناختی و هم‌چنین استعاره احساسی را معرفی می‌کند. در فصل چهارم

داده‌های جمع‌آوری‌شده همراه با ارائه جدول‌ها و نمودارهای مربوط مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و در نهایت مدلی نیز ارائه می‌شود. در فصل پنجم پاسخ پرسش‌ها، نتایج اصلی، دستاوردهای دیگر و همچنین پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی ارائه می‌شود.

۱-۸- محدودیت‌های پژوهش

استعاره از دیدگاه شناختی مدت‌هاست که عنوان بسیاری از پایان‌نامه‌ها را به خود اختصاص داده، ولی استعاره احساسی موضوعی است که در ایران مورد پژوهش قرار نگرفته است. جدیدبودن حوزه تحقیق و نبود هیچ پژوهش مرتبطی با پایان‌نامه حاضر و همچنین کمبود کتاب‌های مورد نیاز از محدودیت‌های این پژوهش بوده است.

پیشینه^ء پژوهش

۲-۱- مقدمه

این پژوهش در میان آثار زبان‌شناسان ایرانی دارای پیشینه مستقیم نیست و در میان آثار زبان‌شناسان غیرایرانی نیز با موارد بسیار اندکی مواجه هستیم. از این رو در بخش مطالعات ایرانیان به مطالعاتی که بر روی استعاره از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی صورت گرفته پرداخته، و در بخش مطالعات غیرایرانیان نیز پس از اشاره به تعدادی از مطالعات صورت گرفته در مورد استعاره از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی به سراغ استعاره‌های احساسی رفته، و در نهایت سه مورد مربوط به زبان درد معرفی می‌شود.

۲-۲- مطالعات زبان‌شناسان و اندیشمندان ایرانی

مشعشی: ۱۳۸۰

پانته‌آ مشعشی در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان *استعاره در زبان فارسی با استفاده از نظریه معاصر استعاره به بررسی برخی از استعاره‌هایی می‌پردازد که در نظام مفهومی سخن‌گویان فارسی وجود داشته و مبنای شکل‌گیری و ظهور بسیاری از عبارتهای روزمره در این زبان می‌باشند*. یافته‌های پژوهش وی حکایت از این دارد که زبان فارسی روزمره نه تنها دارای عبارتها و جمله‌های فراوانی است که می‌توان آنها را بازتاب استعاره‌هایی در نظام مفهومی سخن‌گویان این زبان دانست بلکه برای برخی از نشانه‌های دستوری این زبان نیز مانند نشانه زمان آینده، نشانه نمود ناقص فعل، نشانه حالت ناگذرا و مجهول می‌توان توجیهاتی استعاری داد. وی معتقد است نظام پیشنهادی لیکاف برای تعیین استعاره با زبان فارسی سازگاری داشته و بخش اعظمی از استعاره‌های پیشنهادی لیکاف که از داده‌های زبان انگلیسی استخراج شده‌اند با زبان فارسی نیز انطباق دارد.

گلفام و یوسفی‌راد: ۱۳۸۱

ارسلان گلفام و فاطمه یوسفی‌راد در مقاله‌ای به نام "زبان‌شناسی شناختی و استعاره" به معرفی زبان‌شناسی شناختی و موارد پراهمیت موجود در آن که استعاره نیز بخشی از آن است، می‌پردازند. آن‌ها نظریه‌های کلاسیک در مورد استعاره را توضیح داده، سپس نظریه معاصر استعاره را مطرح می‌کنند. در بخشی از این مقاله چنین آمده است:

ادعای اصلی نظریه معاصر استعاره آن است که استعاره - بر خلاف نظر ارسطو- امری صرفاً زبانی و در واژگان نیست، بلکه فرایندهای تفکر انسان اساساً استعاری می‌باشند، یعنی نظام تصویری ذهن انسان بر مبنای استعاره شکل گرفته و تعریف شده‌است. و استعاره به عنوان یک بیان زبانی دقیقاً به این دلیل میسر می‌شود که در اصل، ریشه در نظام تصویری ذهن انسان دارد (همان: ۶۳).

یوسفی‌راد: ۱۳۸۲

فاطمه یوسفی‌راد در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود تحت عنوان بررسی استعاره زمان در زبان فارسی با رویکرد معنی‌شناسی شناختی به بررسی استعاره زمان در زبان فارسی در چارچوب معنی‌شناسی شناختی می‌پردازد. وی با توجه به وجود استعاره تصویری «گذر زمان به مثابه حرکت است» در زبان انگلیسی، به بررسی آن در زبان فارسی می‌پردازد. لیکاف دو حالت در زبان انگلیسی برای استعاره تصویری «گذر زمان به مثابه حرکت است» معرفی کرده است، در یکی از این حالت‌ها مشاهده‌کننده حرکت می‌کند و زمان می‌ایستد؛ و در حالت دیگر زمان حرکت می‌کند و مشاهده‌کننده می‌ایستد. نگارنده پس از تأیید وجود این استعاره در مدل ذهنی گویشور زبان فارسی برای درک تصویری زمان، نشان می‌دهد که در زبان فارسی حالت سومی نیز وجود دارد که در این حالت هم زمان و هم مشاهده‌کننده در حال حرکت فرض می‌شوند. وی معتقد است استعاره تصویری «زمان به مثابه مکان» و به طور خاص استعاره «گذر زمان به مثابه حرکت است» از آن

دست پدیده‌هایی است که می‌توانند آن چنان آشکار و بدیهی جلوه کنند که به واقع به چشم نیایند. کاربرد این استعاره‌ها چنان به درک و بیان ما از پدیده زمان و گذر زمان سایه افکنده که تصور غیر آن بسیار دشوار است. در اینجا است که گفته می‌شود استعاره‌ها صرفاً ابزارهای زینت کلام نیستند بلکه استعاره‌ها اساساً ابزاری شناختی هستند که به مدد آن‌ها انسان‌ها از طریق حوزه‌های تجربی شناخته‌شده‌تری مانند مکان به درک حوزه‌های انتزاعی چون زمان نائل می‌آیند.

امینی: ۱۳۸۳

رضا امینی در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان *مقایسه رویکرد لیکاف-جانسون و هلیدی^۱ به استعاره به بررسی و مقایسه رویکردهای لیکاف-جانسون و هلیدی به استعاره می‌پردازد، دو رویکرد متفاوت که بنیان‌های متفاوتی نیز دارند. رویکرد لیکاف-جانسون به استعاره بر بنیان زبان‌شناسی شناختی و رویکرد هلیدی به استعاره بر بنیان زبان‌شناسی نقش‌گرا^۲ استوار است. وی با بررسی استعاره مفهومی^۳ در زبان فارسی که شامل استعاره‌های ساختاری^۴، وجودی^۵ و جهت‌ی^۶ می‌شود، به این نتیجه می‌رسد که ساختار زبان فارسی به میزان گسترده‌ای استعاری است و از سوی دیگر مفهوم‌های استعاری به کاررفته در زبان فارسی بسیار شبیه مفهوم‌های به کاررفته در زبان انگلیسی است. بررسی شواهد فارسی نشان می‌دهد که استعاره‌های ساختاری و وجودی در زبان فارسی حضور چشم‌گیری دارند. در مورد استعاره‌های وجودی، که شامل استعاره‌های ظرف و شخصیت‌بخشی نیز می‌شوند، ادعاهای لیکاف-جانسون در مورد زبان فارسی نیز صادق است. داده‌های فارسی همچنین آن‌چه را که لیکاف-جانسون درباره جهت‌گیری‌های فضایی و نقش آن‌ها*

¹ Micheal Alexander Kirkwood Halliday

² functional linguistics

³ conceptual metaphor

⁴ structural

⁵ ontological

⁶ orientational

در ترجمه این واژه در این پایان‌نامه از واژه هستی‌شناختی استفاده شده است.

^۷ در بخش مبانی نظری، استعاره مفهومی و انواع آن به طور کامل توضیح داده می‌شود.

در شکل‌گیری استعاره‌های جهتی گفته‌اند تأیید می‌نمایند، اما در مواردی ناسازگاری‌هایی با نظرات لیکاف- جانسون مشاهده می‌شود، که می‌توان آن‌ها را بازتاب تفاوت‌های فرهنگی فارسی‌زبانان و انگلیسی‌زبانان و تأثیر آموزه‌های خاص فرهنگی، مذهبی و عرفانی در زبان فارسی دانست. امینی در نهایت مهر تأیید دیگری می‌زند بر این ادعای زبان‌شناسان شناختی که نظام مفهومی‌ای که به وسیله آن واقعیت و جهان را درک می‌کنیم عمدتاً استعاری است و استعاره تنها خاص زبان ادبی نیست.

صدی: ۱۳۸۵

نیره صدی در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان بررسی استعاره در ادبیات فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی، به بررسی استعاره شناختی در حیطه ادبیات فارسی می‌پردازد. وی با اشاره به شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین استعاره در ادبیات و استعاره در نظام مفهومی متعارف و زبان خودکار، به این نتیجه می‌رسد که استعاره در ادبیات همیشه ابزار فهم نیست، بلکه در بسیاری موارد، ابزار ایجاد ابهام است. صدی معتقد است بخش عمده‌ای از استعاره‌های ادبی را علاوه بر استعاره‌های مفهومی، استعاره‌های تصویری^۸ تشکیل می‌دهند^۹ که در زبان خودکار کاربرد و کارکرد به مراتب کم‌تری دارند. به باور نگارنده این پایان‌نامه، زبان‌شناسان شناختی به مقتضای موضوع اصلی مطالعاتشان که استعاره‌های قراردادی و نقش آن‌ها در شناخت است، در تمرکز بر نقش استعاره‌های قراردادی در ادبیات راه افراط پیموده‌اند، زیرا اولاً به غیر از استعاره‌های مفهومی، استعاره‌های تصویری نیز در ادبیات نقش مهمی دارند؛ ثانیاً استعاره‌های قراردادی تنها یکی از سرچشمه‌های استعاره‌های مفهومی در ادبیات است. منابع و نظام‌های فکری دیگری نیز می‌توانند منشأ استعاره‌های مفهومی در ادبیات باشند، کم‌این‌که یکی از نظام‌های فکری که در ادبیات فارسی، دست کم در بعضی دوره‌ها، نفوذ عمیقی داشته است عرفان و تصوف است که خود دارای

⁸ image metaphor

^۹ در مورد استعاره تصویری در بخش مبانی نظری توضیح داده خواهد شد.

انحرافات نسبت به نظام مفهومی متعارف است. حتی ممکن است که از نظام‌ها، استعاره‌هایی وارد ادبیات شود و در آن خودکار گردد که در نظام مفهومی متعارف رایج نیست. می‌توان تصور کرد که استعاره‌ای در ادبیات رایج باشد اما منشأ آن نظام مفهومی متعارف نباشد.

گلفام و ممسنی: ۱۳۸۷

ارسلان گلفام و شیرین ممسنی در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی راهبردهای شناختی استعاره و کنایه تصویری در اصطلاح‌های حاوی اعضای بدن" به طور کلی به بررسی استعاره‌ها و کنایه‌های تصویری در اصطلاح‌های زبان فارسی در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی می‌پردازند. به باور آن‌ها نمی‌توان ادعا کرد معنای استعاری و کنایه اصطلاح‌ها از معنای تک تک اجزای تشکیل‌دهنده آن‌ها متفاوت است. به عبارتی دیگر، این طور نیست که نتوان از معنای لفظی عناصر شکل‌دهنده یک اصطلاح به معنای کلی آن پی برد. آن‌ها معتقدند استعاره‌ها اساساً نوعی ابزار شناختی‌اند که به مددشان انسان‌ها از طریق حوزه‌های تجربی شناخته‌شده‌تری چون اعضای بدن به درک حوزه‌های انتزاعی چون همکاری، آگاهی، عشق، فقر و غیره دست می‌یابند.

پوراابراهیم: ۱۳۸۸

شیرین پوراابراهیم در رساله دکتری خود با عنوان *بررسی زبان‌شناختی استعاره در قرآن: رویکرد نظریه معاصر استعاره*، به بررسی معنی‌شناسی شناختی زبان قرآن می‌پردازد و سعی در شناسایی کانون‌های استعاری در زبان قرآن دارد. دستاوردهای این پژوهش بیان‌گر این است که در اکثر موارد زبان قرآن از کاربرد استعاره مفهومی برای بیان مفاهیم انتزاعی‌ای چون سعادت، شقاوت، زندگی، قیامت، قدرت و... سود جسته است و در مواردی قرآن برای انتقال مفاهیم انتزاعی به مفاهیم عینی متوسل شده است. دلیل آن این است که ذهن بشر نمی‌تواند مفاهیم انتزاعی دینی را بدون توسل به انطباق‌هایی از حوزه تصورات و مفاهیم ملموس و تجربی که در خودآگاه بشر است،